

فعالیت جهادی زنان در سنت علوی (شاخص‌ها و اشخاص)

زهره منصوری* / ناصر محمدی**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۰۲

چکیده

زنان به مثابه نیمی از بیکره اجتماع انسانی، می‌توانند با توجه به ظرفیت‌ها و ظرافت‌های وجودی‌ای که دارند، در جامعه انسانی تأثیرگذار باشند و به تناسب توانائی‌های خویش، همپای مردان در فعالیت‌های اجتماعی سهیم گردند. این رویکرد مبنی بر یک پیش‌فرض است و آن اینکه زن مانند مرد، موجود درجه اول، دارای کرامت خاص انسانی و مخاطب آموزه‌های ادیان است و با آنکه در کانون خانواده، تحت قیمومیت مردان است، از استقلال وجودی برخوردار بوده و به همین جهت، در برابر رفتارهای خویش‌شخصا مسئول و پاسخگوست. از زبان قرآن، زنان با مردان هم‌تراز خوانده شدند و پیامبر ﷺ هم به آنان حرمت نهاد. هر چند در عصر خلافت، وقفه‌ای در این منزلت بخشی به زنان پدید آمد؛ اما باتصدی امام علی (علیه السلام)، مجدداً زنان منزلت خویش را احیاء شده یافتند و به صلاح‌دید حضرت، در عرصه‌های اجتماعی، مشارکت و فعالیت داشتند. گزارش تاریخ از فعالیت‌ها نشان می‌دهد، نگاه حضرت به زنان همان نگاه قرآنی و انسانی و در امتداد سیره رسول الله ﷺ بوده است و برجسته‌سازی این گزارش‌ها، می‌تواند خوانش‌ها را در پاره‌ای از روایات از زبان امام و درباره زنان، با درک و درنگ تازه‌ای همراه سازد. از عمده‌ترین دستاوردهای تحقیق، تصحیح نگاه تنقیصی، نسبت به اقوال حضرت نسبت به زنان است؛ چرا که سیره حضرت که بر گرفته از اقوال ایشان نیز می‌باشد، الگوی جامعی از تمامیت زن را در این مکتب ارائه می‌دهد.

این مقاله به روش کتابخانه‌ای و به شکل توصیف و تحلیل می‌کوشد با برجسته کردن فعالیت جهادی زنان در سنت علوی، نشان دهد، حضرت پایگاه اجتماعی زنان را محترم شمرده و منزلت و موقعیت آنان را هیچگاه مخدوش نساخته است.

۱- پیشینه تحقیق

در باب پیشینه نظری تحقیق می توان اذعان نمود که قریب به اتفاق پژوهش ها و نظریه پردازی های مربوط به جایگاه زنان از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، ناظر به اقوال به ظاهر تنقیص کننده و ملامتگر منسوب به ایشان می باشد و تحلیل های صورت گرفته را می توان در سه قسم؛ پذیرش مطلق سخنان حضرت، نفی مطلق سخنان و توجیه و تأویل قرار داد که توجیهات صورت گرفته نیز در یک سطح نمی باشند. اما در زمینه پیشینه تجربی پژوهش می توان گفت که با این عنوان خاص، مقاله یا کتابی یافت نگردید ولیکن در رابطه با موضوع، کتب و مقالاتی وجود دارد که با به صورت عام به موضوع زنان پرداخته و از دل آن می توان مطالبی را استخراج نمود و یا آنکه گزارش هایی در این زمینه می باشد. وجه تمایز این مقاله با تحقیقات مرتبط در آن است که مطالب به صورت منسجم و در حوزه خاص فعالیت جهادی زنان بوده و این مطلب بعد از اثبات نگاه جامع علوی به فعالیت زنان در این عرصه می باشد نه صرف گزارش. برخی از کتب مرتبط عبارتند از؛ پاره ای از شبهات پیرامون زن در نگاه امام علی، نوشته علی سائلی عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، نشر امام باقر علیه السلام، در این کتاب به نقل شبهات پیرامون زنان و کارکردهای اجتماعی آنان پرداخته است. درسنامه مطالعه تطبیقی زن در قرآن و عهدین، نوشته فاطمه عبدالکریم العقیلی، نشر جامعه المصطفی که به صورت کلی به موضوع زن پرداخته و در خلال مباحث آن می توان مطالب مرتبط را استخراج نمود. نقش زنان در عصر امام علی علیه السلام، جمعی از نویسندگان که به مباحث دیگری نیز پرداخته و بخش کوتاهی از کتاب نه به صورت منسجم به موضوع اشاراتی دارد. زن از دیدگاه نهج البلاغه، نوشته فاطمه علائی رحمانی نشر سازمان تبلیغات اسلامی تهران که تنها به موضوع زن از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته و بخش مهم کتاب ناظر به خطبه هشتاد می باشد. زن در سخن و سیره امام علی علیه السلام نوشته مهدی مهریزی دانشگاه علامه طباطبائی که صرفاً جمع آوری برخی روایات وارده در باب زنان از دیدگاه حضرت بوده و به گفته خود نویسنده سنگ بنای تحقیقات بعدی است.

۲- طرح مسئله

در این نکته تردید روا نیست که با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منزلت اجتماعی زنان - که در عصر جاهلی، سخن گفتن از چنین شأنی، ایده و آرزو، بلکه به دلیل سلطه فرهنگ حاکم ناممکن بود- احیاء گردید؛ آنچنان که قرآن کریم گزارش داده است، اگر مردان در جمعی خبردار می شدند که صاحب فرزند دختر شده اند، با اضطراب و رنگ باختگی، در حالیکه از سر شرمگینی از جمعیت دور می شدند، خود را بر سر



دو راهی می‌دیدند؛ یا دخترک نوزاد را زیر خاک پنهان سازند تا ننگ و عارشان از چشم‌ها مخفی ماند یا با خفت و خواری، وی را در کانون خانواده بپذیرند.^۱ زن عصر جاهلی اگر به هنری آراسته بود، هنر پسرزائی بود و اگر همجنس خویش را به دنیا می‌آورد، شرمگین می‌ماند. همین گزارش کوتاه، وضعیت و منزلت زنان را در پیش از اسلام، بر می‌نمایاند. این نوع نگرش به زن، ویژه شبه جزیره نبود و در دیگر فرهنگ‌ها و سرزمین‌ها، رفتارهای زننده نسبت به زنان وجود داشته است. (نور الدین فضل الله، ۱۴۰۵ق، ص ۳۱).

در یک نگاه کلان و کلی، به زن در همه اعصار و ملل به عنوان انسان درجه دوم و شیئی انگارانه نگریسته می‌شد، آزادی وی شرافترین و فسادگستر بود، خدمتکاری می‌کرد و از هیچ نوع حق اجتماعی بهره‌مند نبود. (طباطبائی، ۱۴۰۸ق: ۲۸۱/۲-۲۷۳) با ظهور اسلام، زنان احساس هویت یافتند و خطابات قرآنی که گاه مستقیم معطوف به آنان بود، منزلت تازه‌ای بدیشان بخشید؛ اختیار در پذیرش آیین نو و حضور در جمع مهاجران برای حراست از کیان دین و نیز بر عهده‌گیری بخشی از فعالیت‌های تدارکاتی، پشتیبانی و غیر آن در عرصه جنگ و جهاد، نمودارهایی از این منزلت نو بنیاد شده است.

قرآن کریم بی‌آنکه بخواهد سخن از مرد یا زن به میان آورد، بنی آدم را کرامت بخشید (اسراء/ ۷۰) و برتری و سروری را منوط و معطوف به پارسائی و پرهیزگاری دانست (حجرات/ ۱۳)، زندگی پاکیزه را برای هر کس که رفتار نیکو انجام دهد، تضمین داد (نحل/ ۷۹) و بهشت را بدانان بشارت داد (مومن/ ۴۰) و در ده صفت ممتاز، زنان را بامردان هم‌تراز و برابر خواند^۲ و مهمتر از همه برای اهل ایمان که مردان مندرج در آند، از دو زن پارسا و تاریخی به عنوان مثل و مظهر ایمان یاد کرد (تحریم/ ۱۲-۱۱). پیامبر ﷺ زنان را گرامی می‌داشت و با آنکه نیکو همسرداری را برای زنان، معادل جهاد مردان می‌دانست (کلینی، ۱۳۶۷ش: ۱۰/۵). از حضور و همراهی ایشان در عرصه‌های مختلف مسائل اجتماعی و به ویژه جنگ و جهاد ممانعت به عمل نمی‌آورد. به عنوان نمونه، اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابیطالب، واسطه انتقال مباحث و پرسش‌ها از ناحیه زنان به پیامبر ﷺ بود. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۴/۴۳۳) و پیامبر ﷺ پذیرفت که ام ایمن در جنگ احد به مداوای مجروحان جنگی بپردازد. (قشیری نیشابوری، ۱۴۰۷ق: ۴/۹۳) و مهمتر از همه آنکه به دلیل رشادت‌های نسبیبه انصاری در جنگ احد،

۱. "و إذا بشر أحدكم بالأنثى ظل وجه مسوداً و هو كظیم" (نحل/ ۵۸)، دقت در واژگان آیه، تصویر یک صحنه پارادوکسیکال و تناقض نما را در ذهن خلق می‌کند. متعلق بشارت در ادبیات عامیانه، امری خوشایند است و استقبال فرد را به دنبال دارد؛ اما واکنش طبیعی شنونده بشارت، در هم ریختگی و سیاهی چهره و فوری‌ترین راه مواجهه با امر مورد بشارت، فرار از جمع آگاهان به قصه و سپس پنهان کردن سوژه بشارت است و اینها تناقض نماست.

۲. در میان همه اوصاف دهگانه‌ای که در این آیه برای زنان و مردان به شکل برابر یاد شده است، صفت "و المتصدقین و المتصدقات" برجسته‌تر و در منزلت بخشی به زنان، پر نمودتر است. مبنی بر این صفت، زن در اندیشه قرآن، افزون بر آنکه برای تحقق عدالت اجتماعی و رفع فقر و کاستی‌ها، فعالیت و مشارکت (انفاق) دارد، برده و زیر دست مردان نیست؛ چون سهمی در اموال دارد که بخواهد انفاق کند؛ پس زنان می‌توانند مانند مردان فعالیت اقتصادی داشته باشند.



مقامش را از مقام پاره ای از صحابی پیشکسوت خویش، برتر و ارجمندتر بیابد. (قمی، ۱۳۴۴ق: ۵۸۴/۲) بعد از رحلت پیامبر ﷺ و در دوران خلافت، سخت‌گیری بر زنان - هرچند نه به دشواری عصر جاهلیت - دوباره احیاء گردید^۱ و حتی در مسجد النبی، زنان از نگاه‌ها و دشوارگیریهای تازه احیاء شده در امان نبودند. زمانی که حضرت علی علیه السلام، حاکمیت جامعه را در اختیار گرفت، زنان مجدداً بر کرسی منزلت و شرافت تکیه زدند و به نقش آفرینی در حیطة‌ها و عرصه‌های مختلف اجتماعی و از جمله عرصه جنگ و جهاد، اهتمام ورزیدند و در قلمروهای فرهنگی و سرهنگی دوشادوش مردان، تأثیرگذار شدند. برخی از آنان در صحنه جهاد، واسطه انتقال اخبار بوده، برخی دیگر به مداوای مجروحان پرداخته و گاهی نیز رشادت‌هایی مانند مردان از خود نشان میدادند. سوالاتی که این تحقیق بر مدار آن‌ها قرار می‌گیرد آن است که با توجه به نقل‌هایی که از امام رسیده آیا نگاه حضرت به زنان بدبینانه بوده و آیا در جامعه علوی زنان هیچ جایگاه و نقشی نداشتند؟ فرضیه نیز حاکی از آن است که مشارکت زنان در سیره علوی و در حوزه جنگ و جهاد از حضور فعالانه آنان در عرصه اجتماع پرده بر می‌گیرد و نگاه حضرت را نسبت به زنان، ممتاز ساخته و آن را از دیگر نگاه‌ها متمایز می‌نماید.

۳- مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث و پرداختن به ابعاد مسأله لازم است تبیینی نسبت به واژگان کلیدی صورت گیرد.

۳-۱ سنت

سنت، در کتب لغت به معنای روش معمول و متداول آمده است؛ خواه این روش، نیک باشد یا بد، همچنین این واژه به معنای صیقل دادن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵۴۹/۱)، استمرار (جرجانی، ۱۳۷۰ش: ۵۳)، مطلق راه و روش (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۲۶۹/۶) یا روش پسندیده (ابن منظور، ۱۳۶۶ق: ۲۲۵/۱۳) و امر مداوم (طباطبائی حکیم، ۱۴۰۲ق: ۱۰/۴) نیز آمده است. اما در اصطلاح، سنت عبارت از گفتار، کردار و تقریر معصوم (در غیر امور عادی و روزانه) است. (قمی، ۱۴۳۰ق: ۴۰۹) مقصود از غیر امور عادی و روزانه؛ یعنی سنت و سیره معصوم در قلمرو امور تشریح حجیت دارد و مثلاً اگر پیامبر ﷺ در طول شبانه روز فقط ۳ ساعت بخوابد، چنین شیوه و روبه ای برای دینداران، لازم الاتباع نیست. ناگفته نماند که اهل سنت، سنت و سیره را محدود به گفتار، کردار و تقریر

۲. ابن سعد در جلد هشتم کتاب طبقات الکبری، صفحه ۲۰۵ می‌نویسد که خلیفه دوم حتی در زمان پیامبر از حضرت برای تنبیه بدنی زنان اذن می‌طلبید و پیامبر نمی‌پذیرفت. بر اساس گزارش‌های تاریخی زنان از مواجهه کلامی با او به دلیل روحیه خاص او بیمناک بودند. (صنعانی، ۱۴۰۳ق: ۳۷۴/۴-۳۷۳) وی در زمان خلافتش، بر خلاف سیره پیامبر با زنان رفتار کرد و پایین‌ترین سطوح پرداختنی از بیت‌المال را به میزان پانصد درهم به زنان اختصاص داد و آنان را در ردیف بردگان و عجم‌ها، جا داد. با این همه به دختر خلیفه اول و دختر خود و دختر ابو سفیان، مزایای ویژه‌ای از بیت‌المال می‌بخشید. (یعقوبی، ۱۳۵۸ق: ۱۵۳/۲) این روحیه کار را بدانجا رسانده بود که به زنان برای شرکت در نمازهای صبح و عشا، اجازه نمی‌داد. (اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۹/۶)



پیامبر ﷺ می دانند و نه معصوم که شامل امامان معصوم هم باشد. (زحیلی، ۱۳۷۵ق: ۱/ ۴۵۰؛ زلمی، ۱۳۹۱ش: ۲۷۵)

بنابراین نقطه اتحاد تشیع و تسنن در باب سنت، گفتار، کردار و تأییدات پیامبر ﷺ است؛ ولی چنان که شیعه دایره سنت را تا امامان معصوم امتداد داده است (حیدری، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲)، عالمان اهل سنت، محدوده آن را تا اقوال و افعال صحابه تسری داده اند. (شاطبی، ۱۴۱۷ق: ۴/ ۲۹۰)

با این همه، سنت گاه در مقابل بدعت (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۰ش: ۱۴)، گاه به معنای استحباب (زهیر المالکی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۵۰) و گاه به معنای عمل صحابه (طباطبائی حکیم، ۱۹۷۹م: ۱۲۱) آمده است.

آنچه که در اینجا از سنت علی (علیه السلام) مراد است، رفتار این معصوم در حوزه مربوط به حضور زنان در عرصه جنگ و جهاد است.

۳-۲ فعالیت اجتماعی

فعالیت اجتماعی به معنای هر نوع رفتار، فعل و کنش فرد در قلمروها و حیطه های متفاوت زیست جمعی انسان است. هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است. (طباطبائی، بی تا: ۵) و زنان نیز به عنوان فرد انسانی، فطرتاً اجتماعی آفریده شده اند؛ بنابراین نگاه عزلت آمیز به زنان یا از کاستی اندوخته ها و آگاهی ها در باب فطرت نشأت می گیرد، یا نگاه انسانی به زنان را مخدوش می سازد. برای جامعه شناسان دو نگاه متمایز نسبت به اجتماعی بودن انسان وجود دارد اگر قائل به اصالت فرد باشیم و فرد مستقل از جامعه نگریسته شود، در آن صورت اجتماعی بودن وی امری عارضی خواهد بود؛ اما اگر معتقد به اصالت جامعه باشیم، اساساً شخصی بودن شخص و فردیت او - چنان که جان دیویی معتقد است - در رابطه اجتماعی ارتباط فرد با دیگران معنا می یابد. (باقری، ۱۳۸۹ش: ۳۹۰-۳۸۷)

اندیشه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، ناظر بر هیچ یک از این دو وجه نیست؛ بلکه مبتنی بر تعالیم این کتاب، انسان، صرف نظر از وضعیت اجتماعی، دارای اصالت و ارزش های بنیادین مانند فطرت، حریت و کرامت است و عطف توجه بدان ها، انسان را از تقلید و وابستگی صرف در جامعه ای معین می رهند. (باقری، ۱۳۸۹ش: ۴۰۴)

فعالیت اجتماعی زنان نیز با توجه به همین داده ها، تبیین می شود؛ یعنی اولاً آنان همانند هر فرد انسانی، فطرتاً اجتماعی هستند، ثانیاً نمی توان انسان را موجودی اجتماعی خواند و در عین حال به منزوی بودنش رأی داد؛ پس زنان نیز مانند مردان در امور اجتماعی سهیم خواهند بود و البته گره زدن آنان به پیوند ها و فعالیت های اجتماعی، ارزش های بنیادین شان؛ یعنی کرامت، حریت و فطرت را در آنان نادیده نمی انگارد. فعالیت اجتماعی، حوزه ها و قلمروهای مختلفی دارد و یکی از مهم ترین آنها، فعالیت جهادی است.

۳-۳ جهاد

جهاد مصدر دیگر باب مفاعله و مجاهده نیز مصدر اصلی همین باب، در لغت به معنای منازعه، ستیزه، نبرد و کارزار کردن در راه خداست. (سیاح، ۱۳۹۰ش: ۲۱۹/۱) و در زبان فارسی، گاه در مفهوم مصدری کوشیدن و گاه در مفهوم اسم مصدر کوشش به کار می‌رود. (عمید، ۱۳۶۳ش: ۴۶۵)

این واژه که به همین سیاق و هیئت، ۴ بار در قرآن به کار رفته است. (حج/۷۸؛ ممتحنه/۱؛ فرقان/۵۲ و توبه/۲۴)، از فرائض و فروع دین مبین اسلام و به معنای مقابله و کارزار با مشرکان و کافران است که عمدتاً به دو شکل دفاعی و ابتدائی است و ابتدائی بودن آن متوقف بر اذن معصوم و امام می‌باشد.

۴-حیطه‌ها و شاخص‌های مختلف فعالیت‌های جهادی زنان در سنت علوی

پیش از تبیین و تعیین شاخص‌های فعالیت جهادی زنان و یاد کردن از اشخاص به این نکته اشاره می‌گردد که پاره‌ای از احادیث منقول از امام علی علیه السلام، - با فرض درستی و صحت روایت و نیز صرف نظر از تحلیل‌های آن - حضرت را معارض با جایگاه ویژه و منزلت شایسته زنان نشان می‌دهد، به عنوان نمونه، خطبه هشتم نهدج البلاغه که در آن بر کاستی خردمندی و خردورزی زنان اشاره دارد و تکیه و تأکید یکسویه بر این دست از گفتارها، ممکن است نوعی زن ستیزی را در ذهن مخاطب تداعی نماید.

با این همه گزارش‌های تاریخی که از مشارکت جهادی زنان در سنت علوی خبر می‌دهد، می‌تواند ما را به مکث، درنگ، درک و تأمل تازه‌ای از آن گفتارها رهنمون شود و از اطلاق آن معانی بکاهد یا آنها را به گونه‌ای تأویل برد که عین و ذهن امام را در ذهن و ضمیر جامعه ناسازگار نشان ندهد.^۱

این نکته افزودنی است که حضور و مشارکت جهادی و اجتماعی زنان در حاکمیت امام علی علیه السلام، از ناحیه زنان، نشانه موقعیت‌شناسی و اطلاعات‌پذیری و از ناحیه امام، نشانه جامع‌نگری، کارآمدی و شناخت و آگاهی کامل از زنان و زمان است.

سنت و سیره امام علی علیه السلام، امتداد سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مشارکت اجتماعی زنان امری مقبول و معمول بوده است. به گزارش منابع تاریخی، زنان در بیعت عقبه دوم در سال ۱۳ بعثت حضور داشتند. (ابن هشام، ۱۳۷۵ش: ۴۴۱/۱) و گزارش‌های تاریخی نیز حاکی از حضور زنان و بیعت زنان مکه در آن دوره حکایت دارد. (ابن اثیر، ۱۲۸۵ق: ۴۸/۶) پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، زنان گاه به شکل گروهی (ابن سعد، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م: ۸/۸) و گاه به شکل انفرادی برای بیعت با

۱. پژوهش‌ها و مقالاتی به تحلیل مضامین اقوال حضرت پیرامون زنان پرداخته و موضوع نقصان زنان را واکاویده‌اند؛ مجموعه مقالات همایش جایگاه و نقش زن در اندیشه و حکومت امام علی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۸۰ که مشتمل بر سیزده مقاله در این خصوص بوده که به اتفاق، حول اقوال حضرت و با محوریت نقصان عقل زنان و خطبه هشتم بررسی و تحلیل گردیده است.



پیامبر ﷺ و مشارکت در دولت تازه تأسیس حضور می یافتند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۶۹/۵۰)

همچنین حضور زنان در جبهه و در قالب امداد رسانی به مجاهدان، یکی دیگر از نمودهای بارز حضور زنان در فعالیت اجتماعی است. هرچند در دوران خلفا وقفه هائی در این مشارکت های اجتماعی زنان دیده شد؛ اما با در دست گرفتن حاکمیت توسط امام علی (علیه السلام)، زنان نقشی پویا در اجتماع، خصوصا در مواقع حساس و بحرانی مانند جنگ ها و عملیات های نظامی یافتند و در عرصه های مختلف آن اعم از حضور فیزیکی، امدادی، تبلیغی و ... با تعلیمات و آموزش کافی، حتی به صورت یگان های خاص و ویژه به فعالیت های ویژه و اثرگذار می پرداختند که در ادامه به مهم ترین این شاخص ها و اشخاص اشاره می گردد.

۴-۱ انتقال اخبار و اطلاعات جنگ جهت اطلاع امام علی (علیه السلام)

در عصر حکومت حضرت علی (علیه السلام) زنان خبره و برجسته ای با تمام توان، جهت رسیدن اخبار صحیح و موثق به جبهه حق، کمک شایانی می نمودند و ترتیب اثر دادن امام به این اخبار و تجهیز و اعزام نیرو بر اساس آن، گواه بر اعتماد امیر المؤمنین (علیه السلام) به آنان بوده و در اینجا به برخی از نامه ها و اخبار زنانه که در پیشبرد اهداف جنگ نقش مؤثری داشته، فهرست می شود:

۴-۱-۱ نامه ام الفضل به امام علی (علیه السلام) در جنگ جمل

لیابه، دختر حارث بن حزن بن بجیر هلالی با کنیه ام الفضل، (که فرزند بزرگش فضل نام داشت)، همسر عباس بن عبدالمطلب، عموی بزرگوار پیامبر اکرم ﷺ و از زمره صحابه رسول خدا ﷺ و از زنان نامی عصر خود است و طبق برخی از روایات آن بانو پس از حضرت خدیجه (علیها السلام) اولین زنی بود که به رسول خدا ﷺ ایمان آورد و مسلمان گردید. (ابن سعد، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م: ۲۷۷/۸)

وی دارای سه خواهر به نام های میمونه، سلمی و اسماء بود که میمونه همسر پیامبر اکرم ﷺ، سلمی همسر حمزه بن عبدالمطلب و اسماء نیز همسر جعفر بن ابی طالب است که این خواهر بعد از شهادت جعفر طیار به ازدواج ابوبکر، سپس امام علی (علیه السلام) درآمد. (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۲ / ۳۶۳) پیامبر اکرم ﷺ در مورد تمام این خواهران فرمود: میمونه، ام الفضل، سلمی و اسماء خواهرانی مؤمن هستند. (ابن سعد، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م: ۲۷۸، ابوبکر یوسف بن عبدالله، ۱۴۱۵ق: ۴ / ۴۶۲؛ ابن اثیر، ۱۲۸۵ق: ۷ / ۲۴۶)

وی از خواص امیر المؤمنین (علیه السلام) است و با رسول خدا ﷺ، در فتح مکه و غزوه حنین همراه بوده است. با امیر المؤمنین (علیه السلام) در غسل دادن و دفن کردن پیامبر ﷺ شریک بود. از وی اشعاری در حمایت از امام علی (علیه السلام) و علیه معاویه موجود است. (الامین، ۱۴۰۳ق، ۱۹۸۳م: ۸ / ۴۰۴)

ام الفضل با آنکه در مکه می زیست، اطلاعات مربوط به تجهیز لشکر ناکثین (پیمان شکنان جمل) را به دست آورد و مردی به نام ظفر را اجیر نمود تا امیر المؤمنین (علیه السلام) را از خروج طلحه و زبیر به سوی

بصره آگاه سازد. وی نامه ای به امام با این مضمون نوشت: "به نام خداوند بخشاینده مهربان! به بنده خدا علی، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، از امّ فضل، دختر حارث. اما بعد؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) آگاه می گردد که طلحه و زبیر و عایشه، در سر، قصد عزیمت به بصره را دارند و مردم را به جنگ و محاربت با تو بر می انگیزانند و چنین در زبانها انداخته اند که ما، خون عثمان را طلب می کنیم و کسی جز بیماردلان با آنان همراه نشده دست خدا بالاتر از دست های ایشان است. والسلام" ام الفضل، اینگونه حضرت را از فتنه بزرگی که در حال شکل گیری علیه عالم اسلام بود، آگاه نمود و حضرت را برای تدابیر لازم جهت مقابله با پیمان شکنان یاری نمود. (کوفی، ۱۹۹۱م: ۲/۴۵۶؛ طبری، ۱۳۶۲ش: ۴/۴۵۱)

۴-۱-۲ نامه ام سلمه به امام علی (علیه السلام) در جنگ جمل

هند یا ام سلمه که مادرش عاتکه دختر عبدالمطلب است، یکی از زنان نامدار در تاریخ اسلام است. وی سنبل بندگی در مقابل پروردگار و مطیع محض ولایت بود. زندگی خود را وقف اسلام و ولایت نمود و عملاً، محبت خود را به اهل بیت و وحی (علیه السلام) نشان داد. ام سلمه با پذیرش اسلام در دوران نخستین اعلام رسالت، از سابقین در اسلام گردید و در شمار مهاجران به حبشه درآمد (طبری، ۱۳۶۲ش: ۱/۴۸۲)

امّ سلمه از همسر اولش ابوسلمه، صاحب چهار فرزند به نامهای سلمه (که به همین دلیل ام سلمه، مادر سلمه خوانده می شد)، عمر، دره و زینب، شد و پس از وفات همسرش در سال چهارم هجری، به همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مشرف گردید. (محلاتی، بی تا: ۲/۲۸۴ - ۲۸۲؛ شوشتری ۱۴۰۹ق: ۱۰/۲۶۶)

نقش بازدارنده امّ سلمه در جنگ جمل و نصایح مفصل وی به دختر ابوبکر همسر دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وی را در صف مقدم محبان اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده است. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه سخنان قابل تأمل و رسای او را در محاجّه با عایشه آورده است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۲/۸۰ - ۷۷)

بلا ذری معتقد است، از آنجا که ام سلمه، عایشه را به خوبی می شناخت، می دانست که دختر ابوبکر به دلیل عدم خلافت طلحه بعد از عثمان مکدر و ناراحت است. (بلاذری، ۱۳۹۴ق/ ۱۹۷۴م: ۲/۲۱۸ - ۲۱۷/۵۰۹)

این زن علوی بعد از حرکت طلحه و زبیر و عایشه به سوی بصره به امام نامه نوشت و خروج آنان را به حضرت اطلاع داد. در نامه وی چنین آمده است "اما بعد، طلحه و زبیر و عایشه قصد سوئی دارند، آنان به همراهی عبدالله بن عامر، به سوی بصره خارج شده و بر این پندارند که عثمان، مظلوم کشته شده و لذا خون خواه وی شده اند. خداوند کارشان را از تو کفایت و شرشان را به خودشان برگرداند. خدای را سوگند، اگر نهی خداوند در خروج زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خانه هایشان و وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در زمان وفاتش نبود، هر آینه با شمشیر در رکاب تو می جنگیدم. اکنون پسر من، عمر، که به خدا پیش من از جانم عزیز است، با تو عازم است تا در جنگ در خدمت شما باشد."

ام سلمه، نامه را به عمر (پسر دوش) داد و به وی گفت: "این مکتوب را هرچه سریعتر به دست امیر

المؤمنین، علی (علیه السلام) برسان و ملازم رکاب او باش و از او فرمانبرداری کن. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۷۷۱/۱؛ کوفی، ۱۹۹۱م: ۴۰۶؛ محلاتی، بی تا: ۳۳۱/۲)

با توجه به این حرکت ام سلمه، می توان فهمید که چگونه وی موقعیت شناس بوده و در بهترین زمان، اطلاعات را از طریق امن و مطمئن به حضرت می رساند وی در این راه از بذل مال یا جان عزیزترین کس خود هیچ ابائی نداشت.

۴-۱-۳ افشای اخبار و اسرار جنگ صفین توسط همسر هشتم بن اسود

زن هشتم بن اسود، با وجود آنکه همسرش در اردوگاه معاویه و از یاران او بود، با استقلال فکری و مذهبی، از دوستان و محبان علی (علیه السلام) بود. وی در جریان جنگ صفین، اخبار مربوط به معاویه و سپاه او را می نوشت و در عنان اسب ها به صورت ماهرانه پنهان می کرد و به لشکرگاه حضرت علی (علیه السلام) در صفین، روانه می ساخت. یاران حضرت علی (علیه السلام) با متوقف کردن اسب ها، اخبار را به امام می رساندند. (ابن طیفور، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹م: ۱۱۱، الامین، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م: ۴۷۵/۳)

رفتارهای درست این بانوی فرزانه در خانواده، سبب گردید که نگرش همسرش نیز نسبت به علویان تغییر کرده، در حق علی (علیه السلام) به عنوان فردی دین باور و پاک، داوری نماید. وی در گفتگویی که با معاویه داشت، بر حقانیت حضرت علی (علیه السلام) و علاقه مردم به ایشان، تأکید می ورزید. (ابن هلال تقفی، ۱۳۷۴ش: ۲۰۴)

۴-۲ انگیزه بخشی مجاهدان با شعر و خطابه

نام تعدادی از زنان ادیب و فرهیخته در عصر حکومت علوی که در شعر و ادب، برجسته بودند، به روایت تاریخ ثبت شده است. آنان ضمن دفاع از اعتقادات مقدس با ابزار شعر و بیان، دستگاه اموی را رسوا می ساختند که اینک به یادکرد نام برخی از آنان پرداخته می شود:

۴-۲-۱ زرقاء بنت عدی بن قیس همدانی (یا کوفی)

وی از جمله زنان کوفی است که در صفین حضور داشته و به مدد اشعار حماسی خویش، ضمن ستایش امام (علیه السلام)، سپاه عراق را بر ضد شامیان بر می انگیخت. این زن که شاعر و خطیب عشیره همدان و مدافع همواره راه امام علی (علیه السلام) بود، فضائل آن حضرت را برای تصدی امامت و هدایت امت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شرح می داد و مردم را به پذیرش حاکمیت علوی و بهره گیری از نورانیت آن مشعل فروزان دعوت می نمود. بلاغت، فصاحت و صراحت لهجه او دشمنان را نیز شگفت زده کرده بود. وی در جریان جنگ صفین، در

حالی که سوار بر شتر سرخ موی بود، رزمندگان همدانی^۱ را به مقاومت و هجوم علیه سپاهیان معاویه تشویق می نمود، به طوری که شخص معاویه سالیان سال بعد از واقعه صفین، تمام سخنان وی را به خاطر داشت و در مواجهه حضوری زرقاء سخنانش را یادآوری می نمود؛ از جمله آن خطابه‌ها، عبارات ذیل است؛

ای مردم هوشیار باشید، به خود آئید و سخنم بشنوید و از باطل سر پیچید، همانا شما صحیح کردید، در حالی که در فتنه ای قرار گرفته اید که پرده ظلمت و تاریکی آن، دیدگان شما را گرفته و از راه درست تان بازداشته است، دریغ و حسرت که فتنه ای مجال نمی دهد به صدای ناصح و دلسوز گوش فرا دهید... ای مردم، همانا حق گمشده خویش را می جوید و آن را می یابد؛ پس ای گروه مهاجر و انصار برای جلوگیری از پراکندگی و بسط عدالت و غلبه حق بر باطل، شکیبیا و کوشا باشید، مبدا جهل دامن گیرتان شود و حذر از اینکه کسی بگوید پس چه زمانی وعده خدا تحقق می یابد. (ضبی، ۱۴۰۳: ق: ۶۳؛ کحاله، ۱۹۸۲: م: ۳۹۰/۱؛ اعلمی حائری، بی تا: ۱۱۸)

۴-۲-۲ سوده دختر عمار همدانی

سوده همدانی، از زنان فعال و خلاق در عرصه تبلیغ بود. وی با پرورش در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، دارای بینش عمیقی بود. و در جنگ صفین به همراه خواهران هم فکر خود به صحرای صفین آمد و با عشق و شور، رزمندگان را برای مبارزه با فتنه جویان اموی برانگیخت. سوده، امام علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) معرفی می نمود و بر این امر، تأکید می ورزید.

اشعار سوده در جریان صفین، چنان معاویه را عصبانی کرد که کینه آن زن دلیر را در دل جای داد و مترصد فرصتی بود که انتقام آن روز را از وی بگیرد؛ ولی در جریان ملاقاتی که پیش آمد، باز هم سوده، با کلام نافذ خود در مقابل معاویه، بر پایداری به ولایت امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) را تکیه و تأکید کرد. برخی از اشعار و سروده های وی در جنگ صفین که از زبان معاویه نیز در مقابل وی، نق شده، این چنین است:

ای پسر عماره! چونان پدرت برای حضور در میدان جنگ شتاب کن و مهیا باش که امروز، روز مبارزه و نبرد با حریفان است. علی (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و خاندان شان را یاری ده و هند و پسرش را خوار ساز؛ زیرا علی (علیه السلام) پیشوائی است که هم برادر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هم نشان هدایت و پرتو ایمان است. پس او را از تیر دشمنان حفظ کن و جلودار لشکرش باش و با نیزه و شمشیر بزاق و بزاق لشکر امام را طلایعه داری کن. (ابن عبد ربه، بی تا: ۴۴/۱)

^۱ همدان، به فتح هاء و کسر میم معادل الکوفیه می باشد. قبیله «همدان» یکی از قبایلی بود که سابقه تمدن و حکومت قبل از اسلام را داشته است. حضور امام علی (علیه السلام) در بین آنها سبب مسلمان شدن همه آنان در سال دهم هجری شد. این افراد همواره برای گسترش تشیع فعالیت داشتند. (معصومی جشنی، ۱۳۸۹: ش: ۲۲)

۴-۲-۱۳- امّ براء دختر صفوان

امّ براء، دختر صفوان بن هلال از زنان پیشاهنگ در تبلیغ دین است که در طول زندگی پر خیر خود با زبان شعر و ادب به یاری امام شتافته است. بینش ژرف دینی و سیاسی امّ براء سبب شد، دشمن را در نفاق آلودترین و پنهان ترین چهره خود تشخیص دهد. وی در سروده هایش بی تفاوتی، مسئولیت گریزی و عافیت طلبی را نکوهش می کرد و مردم را به اقدام و کار و جهاد فرا می خواند. وی در شعرهای حماسی خود، فضائل امام علی (علیه السلام) را برای جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر می شمرد و او را برترین مردم بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خواند. وی در جریان کارزار صفین، همه مردم و رزمندگان را به دفاع از امام علی (علیه السلام) بر می انگیزد. ایاتی که وی در جنگ صفین سروده است، چنان دارای تأثیر و نفوذ کلام بود که از یاد و خاطر معاویه نیز بیرون نمی رفت. برخی از سروده های وی که توسط معاویه نیز باز خوانی و تداعی شده، مرور می گردد:

ای عمرو! شمشیر برآنت را، که به سرعت سرهای دشمنان را جدا می کند، بردار. با شتاب اسب خود را مهیا کن و آماده کارزار شو و از نبرد مگریز. ندای امام علی (علیه السلام) را لبیک گو و در زیر پرچم علی (علیه السلام) از کیان اسلام و حق دفاع و دشمن را به دو نیم کن. ای کاش، چون مردان بودم و در جنگ شرکت می کردم و لشکریان فاسق دشمن را از علی (علیه السلام) دور می ساختم. (حکیمی، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳: ۴۶)

۴-۲-۴- امّ الخیر دختر الحریش البارقیه

امّ الخیر، در دوستی و محبت اهل بیت (علیهم السلام)، پیشتاز و با نطق مهیج خود با برانگیختن مردم جهت مبارزه علیه معاویه بود وی در جگ صفین، حضور مؤثری داشت؛ به طوری که سروده ها و خطابه های آتشین و پرشورش شوق را در سپاه علی (علیه السلام) برمی انگیزد و در آتش در خرمن سپاه معاویه می افروخت. حضور وی در مجلس معاویه، با توجه به فرهیختگی و شعور سیاسی وی، توطئه معاویه را خنثی و صحنه را به نفع علویان تغییر داد. کلام امّ الخیر در جنگ صفین چنان در لشکریان معاویه رسوخ پیدا کرده بود که خود آنان در مجلس معاویه به ذکر و شرح آن می پرداختند. برخی از سروده های امّ الخیر در جنگ صفین را که از زبان یکی از افراد حاضر در مجلس معاویه تکرار شد، چنین است:

ای مردم! از پارسائی پیشه کنید که زلزله قیامت امری بس عظیم است. خدای سبحان، حق را برای شما روشن کرد و دلیل را آشکار نمود و عذری برایتان پذیرفته نیست، پس بنگرید به کدام سمت می روید؟! آیا می خواهید از علی بن ابی طالب (علیه السلام) که فرمانروای دین است، بگریزید! خدایا! صبر، تحت فشار و ناتوان و کم رمق شد، یقین کاستی یافت شد و رغبت به دنیا فزونی گرفت. پروردگارا دلها به دست توست، تو دلهای مردم را متحد کن و در آن الفتی ایجاد نما. آنها که در برابر علی (علیه السلام) و سربازان او صف بستند، کینه های بدر و حنین در سر دارند. این جنگ، جنگ داخلی و قوم و قبیله ای نیست و در حقیقت جنگ

اسلام و کفر است. (ابن طیفور، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م، ص ۵۵، ابن عبد ربه، بی تا: ۳۵۴/۱)

۴-۲-۵ امّ سنان دختر خثیمه مدحجیه

امّ سنان، از یاران امام علی (علیه السلام) بوده که سروده های وی سرشار از ارادت به امام و تأکید بر جانشینی ایشان بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و دفاع از ولایت و رهبری آن حضرت است. این بانو در جنگ صفین حضور داشت و در تشویق و ترغیب قوم خود برای یاری امام، به سرودن اشعاری رسا و بلیغ پرداخت و چنان کلام وی نافذ و اثر بخش بود که سالها بعد، توسط معاویه و امویان، عیناً تکرار گردید که ترجمه بخشی از آن چنین است:

چشمانم از شدت اندوه، خواب نمی یابد که امشب، شبی غم افزا و اندوهبار است. ای خاندان مدحج! دیگر زمان درنگ نیست، آماده جنگیدن باشید که دشمنی دشمنان، متوجه خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. این علی (علیه السلام) است که در اوج آسمان، ماه وجودش روشنی بخش شب تار است و ستارگان سعد، مانند هلالی، گرداگرد وجود علی (علیه السلام)، حلقه زده اند. علی (علیه السلام) از زمانی که با دشمنان خدا جنگید، پیروز بود و بهروزی همیشه با جنگ های علی (علیه السلام) مقرون بوده است. (ابن عبد ربه، بی تا: ۳۴۹/۱، ابن طیفور، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م، ص ۶۳؛ الامین، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م: ۴۷۹/۳)

۴-۲-۶ بگاره الهالیه

بگاره، زنی بی باک و شجاع بود و در جنگ صفین به دفاع از حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و ضدّ معاویه، خطبه های آتشینی ایراد می کرد و مردم را قهرمانانه به جهاد و استقامت در نبرد علیه کفار دعوت می نمود. الفاظ وی ساده و روان و تعبیرش صادق و عمیق بود. زمانی که در مجلس معاویه حضور یافت، روح شجاعت خواهی، صراحت لهجه، ایمان و اعتقاد راسخ خود به امام را به نمایش گذاشت و قدرت اطرافیان معاویه که از اشعار او در جنگ صفین به جهت انتقام یاد می کردند، برایش هیچ ارزشی نداشت و بدون کمترین ترس و اضطرابی آن ها را سگ خطاب می نمود. او از شهادت واهمه ای نداشت؛ زیرا زندگی برایش زمانی معنادار بود که ولیّ خدا بر هستی حکومت کند. برخی از سروده های وی در جنگ صفین که از زبان اطرافیان معاویه نیز ذکر گردید از این قرار است؛

ای زید (برادر بگاره)، بیا و شمشیر بزانی را که زیر خاک خانه مان مدفون کرده ام، بردار. من این شمشیر را برای روز نبرد پنهان کرده بودم و امروز، زمانه آن را دست نخورده بر ایمان حفظ کرده است. آیا پسر هند را صاحب خلافت می دانی؟ خلافت از او دور است و اگر خود هم مایل باشد، بدان دست نخواهد جست. ای معاویه! نفست تو را در خلوت ها دچار گمراهی کرده و عمرو بن عاص و سعید بن عاص تو را فریفته اند. بازگرد و از این آرزوی شومت دست شوی که برایت تیره بختی به ارمغان می آورد. خلافت فقط سزاوار حضرت علی (علیه السلام) است و اوست که همای سعادت را بر دوش دارد. (ابن عبد ربه، بی تا: ۳۴۷/۱)

۴-۲-۷ عکرشه دختر الأطفش

عکرشه زنی قرآن شناس و تاریخ دان در اردوگاه علی (علیه السلام) است که در آگاهی بخشی به توده ها و برانگیختن احساسات و غیرت دینی مردم برای دفاع و جهاد در راه خدا، توانا و اثرگذار بود. وی با فصاحت و بلاغت خاص، بر ادبیات عرب چیره بود، چنان که از او خطیبی زبان آور و کم مانند ساخته بود. در جنگ صفین در لشکر حضرت علی (علیه السلام) حاضر شد و خطبه بلیغی خواند و مردان را بر کارزار با لشکریان معاویه تحریک نمود. وی با توصیف زیبایی ها، امنیت و آرامش و جاودانگی بهشت موعود برای مجاهدان، شوق جهاد و لقاء الله را در دل های رزمندگان شعله ور می ساخت و با برشمردن و عده های خداوند به مدافعان حقیقت، برانگیزه آنان می افزود و تردید و ترس از مرگ را از آنان دور می ساخت. بعد از شهادت امام علی (علیه السلام)، عکرشه بر معاویه وارد شد. معاویه گفت: ای عکرشه! اینک من امیرالمؤمنین توام، عکرشه گفت بله؛ زیرا علی دیگر زنده نیست. وی در صفین خطابه های بلیغی داشت که از آن جمله خطابه های او به قرار ذیل است:

ای مردم خویشتنداری کنید، اگر هدایت شوید گمراهان به شما زیان نمی رسانند. از زمره بصیرتمندان باشید. همانا معاویه همراه با قومی بی ایمان و دنیا طلب با شما قصد جنگ دارد. ای بندگان خدا، دین خدا را دریابید و اظهار ناتوانی نکنید که در آن صورت نور ایمان خاموش شده و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر باد خواهد رفت. با بصیرت با دشمن خود، معاویه و سپاهیانش بجنگید و با عزم و اراده خود صبر پیشه سازید. (ضبی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳: ۳۸: الحسون، ۱۴۲۱: ۴۷۳)

۴-۳-۳ تجدید روحیه سپاه علی (علیه السلام) در پرتو مرثیه سرایی

از آنجا که کشته و زخمی شدن رزمندگان در میادین جنگ، می تواند اثرات تخریبی عاطفی بر روحیه سایر سپاهیان و بازماندگان بگذارد، مرثیه سرایی برای شهداء از جمله واکنش های بهنگام و فعالیت های اجتماعی زنان در قلمرو جهادی و در عصر علوی بوده که شایسته درنگ و درس آموزی است. این نوع از فعالیت اجتماعی زنان از آن حیث، پراهمیت است که آنان می بایست با حسن استفاده از شرایط ویژه جنگی و توامان بودن آن با اقتضاءات سوگواری، با بیان اهداف والای جنگ و یادآوری خصلت های عالی شهداء، دیگر رزمندگان را در استقامت ورزی و تداوم جنگ و خونخواهی شهیدان بر خاک خفته تشجیع و ترغیب نمایند. اینک نام برخی از این بانوان و فعالیت های آنان فهرست و گزارش می شود:

۴-۳-۱ امینه انصاریه

امینه انصاریه، همسر ابوالهیثم، مالک بن تیهان انصاری است که هر دو از یاران با سابقه پیامبر

اکرم عليه السلام و از پیروان استوار امام علی عليه السلام بودند. امینه انصاریه همواره در مسیر ولایت مداری در کنار همسر خود، به حمایت از حضرت علی عليه السلام، می پرداخت. همسر امینه، در جنگ صفین در رکاب امام به شهادت رسید. وی در صفین برای همسرش مرثیه گفت و شهادی صفین را مانند شهیدان احد و کشتگان آنان را فاسق و کافر خواند. برخی از مرثی او چنین است:

از امروز که مالک، آن پشتوانه دلیر کشته شد، دیگر طعم خواب و آسودگی را نخواهم چشید. ای ابا الهیثم بن تیهان، اینک وجودم سرشار از غم و اندوه است. هنگامی که آن فاسق حق ناشناس تاخت؛ چون شیخون ناجوانمردانه عادتش بود، مانند کسانی گشتید که به روز احد شهید شدند. خداوند شما را با این پیکرهای آغشته به خون بیامرزاد. (ابن اثیر، ۱۲۸۵:ق: ۱۵/۵)

۴-۳-۲ امّ ذریح العبدیه

امّ ذریح، بانوی شاعر و دوستدار امیرالمؤمنین علی عليه السلام بود و در جنگ جمل همراه آن حضرت برای ترغیب و تشجیع یاران و سپاهیان امام نقش آفرینی می کرد. وی با اشعار حماسی خود، در ترغیب سپاهیان به جنگ با سپاه دشمن تأثیرگذار بود و این گونه در تاریخ جاودانه شد. (الحسون، همان، ص ۱۵۱)

در جریان جنگ جمل، پسر جوانی به نام مسلم در حالی که جامه ای سپید بر تن داشت، قرآنی را که حضرت علی عليه السلام بر دست داشت و به دنبال گیرنده آن بود، گرفت. امام، به او نگریست و فرمود: ای جوانمرد! اگر این قرآن را بگیری، نخست دست راست تو قطع می گردد که باید با دست چپ بگیری که آن هم قطع خواهد شد و سپس چندان بر تو شمشیر زده می شود تا کشته شوی. جوان گفت: مرا صبر بر این کار نیست. بعد از تکرار سخن امام مبنی بر این امر، آن جوان اعلام آمادگی کرد و چنان که که امام فرموده بود، به شهادت نائل آمد. امّ ذریح در این باره چنین سروده است:

بار خدایا مسلم، با قرآنی که مولای ایشان به او سپرده بود، به سوی آنان رفت و آنان را به ایمان و دادگری فراخواند و کتاب خدا را بر آنان تلاوت کرد که آنان را به بیم نینداخت و در حالی که مادرشان (عایشه) ایستاده بود، لبه های شمشیر خود را از خون او خضاب بستند. آری عایشه آنان را به گمراهی فرمان می دهد و ایشان را منع نمی کند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴:ق: ۴ / خطبه ۴۶)

هم چنین در مقابل عمل عایشه که خاک ها را به جانب سپاهیان امام علی عليه السلام پرتاب کرد، چنین سروده است: ای عایشه! اگر آمده ای که ما را نابود کنی و سنگ ها را در میان ما پرتاب کردی که ما را بزنی و انکار کنی؛ بدان در صورتی که جنگ کنیم با مشرفیات، خون شما را هر چه بخواهیم می ریزیم. (شیخ مفید، ۱۳۷۱:ش: ۳۴۸)

۴-۴ حضور فیزیکی زنان در عرصه جهاد

برخی از زنان در دوران حکوت علوی که تعلیم دیده نیز بودند، در صورت نیاز و بنا بر شرایط در صحنه

جنگ حضور داشتند. یکی از این شرایط، صحنه جنگ جمل بود که تعداد چهل نفر از این زنان با پوشیدن لباس مردان، در هیبت نظامیان مرد ظاهر شده و عایشه را بعد از جنگ جمل تا مدینه همراهی و مشایعت نمودند.

مبنی بر این واقعیت، در حکومت علوی لازم است تا زنان مستعد نیز علاوه بر مردان، تعلیمات نظامی ببینند؛ زیرا گاه شرایط جنگی به گونه ای رقم می خورد که وجود مردان به تنهایی، گره افکن و کارگشا نخواهد بود. در این واقعه ممکن بود که در مسیر مدینه، کاروان عایشه مورد تعرض قرار بگیرد، لذا شایسته دیده شد زنان، تعلیمات لازم را ببینند تا در صورت لزوم، عکس العمل نظامی مناسبی را نشان دهند.

شایسته یادآوری است، عایشه مانند سایر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان از احترام خاصی برخوردار بود. با این همه از در ناسازگاری و چالش با امیرالمومنین علیه السلام در می افتاد؛ پس اگر امام علیه السلام با وی به احترام رفتار نمی کرد و به صورتی شایسته به مدینه باز نمی گرداند، اسباب تهمت و شاید آشوبی دیگر را فراهم می نمود.

به گزارش تاریخی، امام علی علیه السلام بعد از جنگ جمل، به محمدبن ابی بکر، برادر عایشه دستور داد تا خواهر خود عایشه را همراهی نموده و افزون بر آن، به چهل تن از زنان مجرب بصری دستور داد تا با پوشیدن لباس مردانه، به صورتی استتار نمایند و این کاروان را تا مدینه همراهی و مشایعت کنند. (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۳/۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶ش: ۱/۵۹۳)

این از لطائف سیره علوی است که تنها به زنان موافق، اجازه فعالیت سیاسی نمی داد، بلکه مخالفان آن حضرت مانند عایشه نیز چنین امکانی می یافتند؛ بنابراین بر اساس این سیره عدالت محور و جنسیت شکن، باید حتی زنان مخالف نیز توانائی ابراز اندیشه و فعالیت داشته باشند. نکته دیگر آنکه، زنان مؤثر در جریان جنگ جمل و همراهی کننده عایشه، علی رغم آموزش لازم و توانمندی نظامی، کاملاً شخصی و ناشناس بوده و به فرمان امام علی علیه السلام، تنها در شرایطی وارد عمل می شدند که کار فقط به دست آنان تمام می شد و به هیچ عنوان امکان حضور مردان نبود و الا یگان آموزش دیده مردان وارد عمل شده و از زنان استفاده نمی شد.



۴- نتیجه گیری

در اندیشه و سیره علوی، زنان نقشی پویا و همه جانبه در فعالیت های اجتماعی، خاصه قلمرو فعالیت های نظامی و حضور در جنگ ها و عملیات های نظامی داشته اند. از نگاه علی (علیه السلام)، حضور زنان در میدان جهاد، آن هم در نقش های متنوع و گوناگون مانند تبلیغ از طریق شعر و خطابه یا حضور فیزیکی علاوه بر فعالیت های تدارکاتی و درمانی، کاری سزاوارانه و حضوری مبارک و ثمربخش است. بنابراین فعالیت های تأثیرگذار زنان عصر علوی، نشانگر بزرگداشت جایگاه اجتماعی زنان از منظر امام و در سنت علوی است. تاریخ، گزارش می دهد که رسوخ ایمان و روح ولایت در وجود زنان، سبب گردید تا آنان در سخت ترین شرایط و در برابر تهدیدات معاویه با شجاعتی بی نظیر به دفاع از اعتقادات خود و حریم ولایت بپردازند که این گونه فعالیت ها همه حاکی از بصیرت کامل و علم وافر ایشان به حقایق بوده و آن چنان جامع و تأثیرگذار بود که حتی دشمنان نیز عمیقاً از آن متأثر گردیده و تمام آن خطابه ها را حفظ بودند. نکته حائز اهمیت تر آن است که حضور فعالانه زنان در عرصه های اجتماعی و در حاکمیت و سنت علوی، نشان می دهد که حضرت به توانائی های ایشان باور داشته و بدون تفکیک جنسیتی، به حضور فعال این زنان در مشارکت های جهادی و اجتماعی رأی می داد.

منابع

قرآن كريم

- ١- ابن اثير، عز الدين ابوالحسن على بن ابي الكرم، ١٢٨٥ق، **أسد الغابة في معرفة الصحابة**، مصر، جمعية المعارف المصريه.
- ٢- _____ ، _____ ، **الكامل في التاريخ**، ١٣٨٧ق ، طهران، كتابخانه اسماعيليان، نجف، دارالكتب العلمية.
- ٣- ابن ابي الحديد، عبدالحميد بن هبة الله، **شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد**، ١٤٠٤ق، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم ، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- ٤- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، **العبر (تاريخ ابن خلدون)**، ١٣٦٣ش، ترجمه آيتي، عبدالمحمد، تهران، پژوهشگاه مطالعات و تحقيقات فرهنگي.
- ٥- ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، ١٣٨٨ق / ١٩٦٨م، بيروت، دارصادر.
- ٦- ابن طيفور، ابوالفضل احمد بن ابي طاهر، **بلاغات النساء**، ١٤٢٠ق، تحقيق: يوسف البقاعي، بيروت، دارالأضواء.
- ٧- ابن عبد ربه، احمد بن محمد، **العقد الفريد**، بي تا، محقق، قميحه مفيد محمد، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ٨- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، **الإستيعاب في معرفة الأصحاب**، ١٤١٢ق، بيروت، دارالجيل.
- ٩- _____ ، **الإستيعاب في معرفة الأصحاب**، ١٤١٥ق، تحقيق: علي محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ١٠- ابن عساكر، علي بن حسن، **تاريخ مدينه دمشق**، ١٤١٥ق، محقق؛ علي شيري، بيروت، دارالفكر.
- ١١- ابن فارس، ابن زكريا ابي الحسين، **معجم مقائيس اللغة**، ١٤٠٤ق، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.
- ١٢- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، **لسان العرب**، ١٣٦٦ق، بيروت، دار احياء التراث العربي.
- ١٣- ابن هشام، عبدالملك بن هشام، **السيره النبويه**، ١٣٧٥ش، ترجمه سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران، كتابچي.
- ١٤- اصفهاني، ابوالفرج، **الاجاني**، ١٤١٥ق، بيروت، دار احياء التراث العربي.



- ۱۵- اعلمی حائری، محمد حسین، **تراجم اعلام النساء**، بی تا، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۶- الامین، السید محسن، **اعیان الشیعه**، ۱۴۰۳ق، تحقیق: سیدحسین الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۱۷- باقری، خسرو، **اصول تربیت اجتماعی در اندیشه امام علی (علیه السلام)**، کتاب تربیت اسلامی، ۱۳۸۹ش، قم، نشر تربیت اسلامی.
- ۱۸- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، **انساب الاشراف**، ۱۳۹۴ق، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی لمطبوعات.
- ۱۹- ثقفی، ابن هلال، ابراهیم بن محمد، **الغارات**، ۱۳۷۴ش، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۰- جرجانی، علی بن محمد، **التعریفات**، ۱۳۷۰ش، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
- ۲۱- الحسون، محمد، **اعلام النساء المؤمنات**، ۱۴۲۲ق، تهران، انتشارات اسوه.
- ۲۲- حکیمی، محمدرضا، **اعیان النساء عبر العصور المختلفة**، ۱۴۰۳ق، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۲۳- حیدری، علی تقی، **اصول الإستنباط**، ۱۳۹۲ش، ترجمه: عباس زراعت و حمید مسجد سرابی، نشر حقوق اسلامی.
- ۲۴- ربانی گلپایگانی، علی، **کلام مقارن**، ۱۳۸۰ش، قم، دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان.
- ۲۵- زحیلی، وهبه، **اصول الفقه الإسلامی**، ۱۳۷۵ق، بیروت، دار احسان.
- ۲۶- زلمی، مصطفی ابراهیم، **خاستگاه های اخلاف در فقه مذاهب**، ۱۳۹۱ش، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲۷- زهیر المالکی، محمد ابوالنور، **اصول الفقه**، ۱۴۱۲ق، قاهره، مکتبه الأزهريه للتراث.
- ۲۸- سیاح، احمد، **فرهنگ بزرگ جامع نوین**، ۱۳۹۰ش، تهران، انتشارات اسلام.
- ۲۹- شاطبی، ابراهیم بن موسی، **الموافقات**، ۱۴۱۷ق، بیروت، دار ابن عفان.
- ۳۰- شوشتری، نورالله بن شریف الدین، **احقاق الحق و إزهاق الباطل**، ۱۴۰۹ق، مقدمه: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۳۱- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **الخصال**، ۱۴۱۴ق، طهران، مؤسسه البعثة.
- ۳۲- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، **المصنف**، ۱۴۰۳ق، محقق: حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، المجلس العلمی.
- ۳۳- ضبی، عباس بن بکار، **اخبار الوفود من النساء**، ۱۴۰۳ق، محقق: سکینه الشهابی، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۳۴- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ۱۴۰۸ق، بیروت، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.

- ۳۵- _____، روابط اجتماعی در اسلام، بی تا، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، تهران، انتشارات بعثت.
- ۳۶- طباطبائی حکیم، سید محمد تقی، السنة فی الشریعة الإسلامية، ۱۴۰۲ق، قم، بنیاد بعثت.
- ۳۷- _____، الاصول العامة للفقہ المقارن، ۱۹۷۹م، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ۳۸- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (طبری)، ۱۳۶۲ش، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۳۹- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ش، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۰- عکبری بغدادی، ابو عبد الله محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ۱۳۷۱ش، محقق؛ سید علی میر شریفی، قم؛ مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۴۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۶۳ش، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۴۲- کحاله، عمررضا، اعلام النساء، ۱۹۸۲م، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۴۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ۱۳۶۷ش، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۴- کوفی، ابن اعثم، محمد بن علی، الفتوح، ۱۹۹۱م، تحقیق علی شیری، بیروت؛ دارالاضواء.
- ۴۵- قشیری نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۴۰۷ق، محقق؛ احمد عمر هاشم، بیروت، مؤسسه عزالدین.
- ۴۶- قمی، ابوالقاسم، قوانین، ۱۴۳۰ق، قم، إحياء الكتب الإسلامية.
- ۴۷- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ۱۴۱۴ق، قم، دار الاسوه.
- ۴۸- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، بی تا، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۹- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، ۱۴۰۹ق، محقق؛ یوسف اسعد داغر، قم، دارالهجرة.
- ۵۰- معصومی جشنی، عبدالله، قبیله همدان و نقش آن در تاریخ اسلام و تشیع (قرن اول هجری قمری)، ۱۳۸۹ش، قم، دلیل ما.
- ۵۱- نورالدین فضل الله، مریم، المرأة فی ظل الإسلام، ۱۴۰۵ق، بیروت، دارالزهراء.
- ۵۲- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ۱۳۵۸ق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

